

بررسی میزان کاربرد نخستی‌های معنایی (جهانی‌های معنایی) کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه (Prospect1)

■ ربابه کریمی* ■ شهرام مدرس خیابانی**

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر بررسی میزان کاربرد نخستی‌های معنایی در کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه (Prospect 1) بوده است. این پژوهش کاربردی و روش تحقیق آن تحلیل محتواسست. پیکره پژوهش، کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه است و در قالب فایل متنی از کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم تهیه شده است. با استفاده از نرم‌افزار NSP، نوع و فراوانی واژه‌های کتاب استخراج شده است. سپس، به کمک نرم‌افزار SPSS و انجام تحلیل معناداری آماری، نتایج تحقیق مشخص شده است. نتایج نشان می‌دهد که توزیع فراوانی مؤلفه‌های معنایی (نخستی‌های معنایی) که اساساً صورت‌های پربسامد در هر زبان محسوب می‌شود، در مقایسه با سایر صورت‌های واژگانی موجود در این کتاب بسیار کم است. بر اساس پژوهش‌های قبلی (مولر و همکاران) در تهیه و تدوین کتاب‌های درسی مقدماتی زبان آموزان از کل نخستی‌های معنایی و با حداقل بخش زیادی از آن‌ها استفاده شده است، در حالی که در این کتاب از کل واژه‌های استخراج شده تنها ۵۱۲ مورد یعنی ۷/۸ درصد، به نخستی‌های معنایی اختصاص یافته است. در میان نخستی‌های معنایی، کاربرد کنشگرها (با فراوانی ۲۴۴) نسبت به سایر حوزه‌های معنایی در کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه (Prospect 1) بیشتر است. این در حالی است که مکان‌نماها با فراوانی ۷، موجودیت‌نماها با فراوانی ۷، مالکیت‌نماها با فراوانی ۷، مشخصه‌نماها با فراوانی ۷، نخستی‌های معنایی مرگ و زندگی با فراوانی ۳ و کنشگرهای رابطه‌ای با فراوانی ۱ کمترین فراوانی را در متن داشته‌اند و میزان فراوانی توصیف‌نماها، شباهت‌نماها و تشدیدکننده‌ها در نمونه مورد مطالعه صفر است.

نخستی‌های معنایی، جهانی‌های معنایی، فرازبان معنایی طبیعی، کتاب زبان انگلیسی پایه هفتم (Prospect 1)

کلید واژه‌ها:

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۲۶ □ تاریخ شروع بررسی: ۹۵/۱۲/۲۲ □ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۵/۲۱

* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.....rebekakarimi@gmail.com
** استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج (نویسنده مسئول).....shahram.modarres@kiaou.ac.ir

مقدمه

آموزش زبان‌های خارجی از جمله زبان انگلیسی موضوعی است که روز به روز اهمیت بیشتری می‌یابد و در بسیاری از کشورها این موضوع، بخش مهمی از امکانات آموزش آن را به خود اختصاص داده است. این گونه آموزش‌ها تمام سطوح آموزش رسمی، یعنی از مدارس ابتدایی تا دانشگاه را در برمی‌گیرد. در چند دهه اخیر برنامه‌ریزان زبان‌های خارجی درصدد هستند تا در زمینه آموزش زبان‌های خارجی به راهکار علمی تری دست یابند. برای نیل به این هدف آن‌ها تلاش می‌کنند تا از یافته‌های علوم مختلف از جمله زبان‌شناسی و روان‌شناسی بهره‌گیرند (مهران، ۱۳۸۸). زبان‌شناسی نقش مهمی در توصیف آموزش زبان خارجی ایفا می‌کند. به‌کارگیری کامل یافته‌های زبان‌شناختی بر آموزش و تدریس زبان، در درک ماهیت زبان نهفته است. دانشی که زبان‌شناسان در مورد ماهیت پیچیده، انتزاعی و نظام‌مند زبان کسب کرده‌اند، برای معلمان و نیز زبان‌آموزان زبان خارجی مفید است، زیرا چنین دانشی به آن‌ها کمک می‌کند تا به عظمت کاری که می‌خواهند بکنند، پی ببرند (فالک، ۱۹۷۸، ص. ۵۳۱)

یکی از یافته‌های اخیر زبان‌شناسی، عناصر شناختی تحت عنوان نخست‌های معنایی است. از آغاز طرح نخست‌های معنایی بیش از چند دهه نمی‌گذرد. در این مطالعات به‌وضوح می‌توان به نقش شناخت عناصر ابتدایی و اولیه زبان در فرآیند یادگیری و آموزشی پی برد. اولین بار اندیشه پرداختن به نخست‌های معنایی به نظریه ارائه‌شده از سوی لایب‌نیتس^۱ (۱۹۶۱) برمی‌گردد. فلاسفه قرن هفدهم نیز نظریه‌ای مشابه به نظریه لایب‌نیتس داشتند. آن‌ها مدعی بودند که تمام مفاهیم پیچیده از مفاهیم ساده تشکیل شده‌اند. از این رو اگر تمام توصیف‌ها و تعاریف وابسته به مجموعه‌ای از مفاهیم ساده است، بنابراین شناخت این عناصر ابتدایی و اولیه که درک افراد بشر از مفاهیم، بستگی به آن‌ها دارد، حائز اهمیت است.

ویزرزیکا^۲ در سال ۱۹۹۴ برای نخستین بار فهرستی از نخست‌های معنایی را معرفی کرد. نخست‌های معنایی مفاهیم ذاتی و جهانی محسوب می‌شوند که در تمامی زبان‌ها مشترک‌اند و به همین دلیل ترجمه‌پذیر تلقی می‌شوند (به نقل از افراشی، ۱۳۸۵). در چنین شرایطی برای گویشوران همه زبان‌ها، بدون نیاز به ارائه تعریف، قابل درکند. ویزرزیکا نخست‌های معنایی را برابر با الفبای اندیشه آدمی^۳ می‌داند. وی بر آن بوده تا نظامی متشکل از نخست‌های معنایی و جهانی معرفی کند تا بتواند معنی را در تمامی زبان‌ها توصیف^۴ کند. ویزرزیکا این نظام را نظام فرازبان معنایی طبیعی^۵ نامید (لوینر^۶، ۲۰۰۲، ص. ۱۴۵).

در ایران، طی سالیان اخیر، اندیشه‌های ویزرزیکا توجه علاقه‌مندان به مباحث معنی‌شناسی را به خود جلب کرده است، و لذا با توجه به جهانی بودن این مفاهیم، آموزش آن‌ها نقشی مهمی در پیشبرد اهداف آموزش زبان دوم خواهد داشت. مجموعه کتاب‌های پراسپکت یک مجموعه سه‌جلدی است که حاصل تلاش و کوشش جمع‌کنی از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت از جمله متخصصان آموزش

زبان انگلیسی، زبان‌شناسی و برنامه‌ریزی درسی است که با رویکرد ارتباطی فعال خودباورانه مطرح در برنامه درسی، تهیه و تدوین گردیده است. با توجه به اینکه بحث نخست‌های معنایی به مفاهیم اولیه و بنیادین زبان مرتبط می‌شود، در پژوهش حاضر به بررسی انواع نخست‌ها و میزان کاربرد این مفاهیم در نخستین کتاب آموزش زبان انگلیسی در نظام رسمی آموزشی کشور یعنی Prospect 1 پرداخته شده است تا مشخص شود زبان آموزان ایرانی در اولین گام آشنایی با زبان انگلیسی با چه میزان از این مفاهیم بنیادین، که بر اساس این نظریه جهانی بوده و معادل آن در زبان فارسی وجود دارد، روبه‌رو می‌شوند. بررسی مطالعات انجام‌شده بیانگر این است که تاکنون مطالعه چندانی درباره نخست‌های معنایی در آموزش زبان دوم در ایران نشده است؛ و در نتیجه پژوهش در این زمینه و بهره‌گیری از دستاوردهای آن اهمیت و ضرورت چنین پژوهشی را بیش از پیش نمایان می‌سازد. نخست، انجام این مطالعه باعث فراهم شدن بستر مطالعات نظری در این حوزه برای پژوهشگران داخل می‌شود. دوم، به دلیل کاربردی بودن این بحث، از نتایج پژوهش حاضر می‌توان در جهت تهیه و تدوین صحیح‌تر کتاب درسی زبان انگلیسی دوره آموزشی داخل کشور استفاده نمود.

■ پیشینه پژوهش

به اعتقاد و یرزبیکا، سرآغاز پیرامون تاریخچه نخست‌های معنایی به بیش از دو هزار سال قبل و به زمان ارسطو بازمی‌گردد؛ اما پیشرفت واقعی در این زمینه را باید به تلاش اندیشمندان قرن هفدهم میلادی یعنی دکارت^۱، پاسکال^۲، آرنولد^۳، لایب‌نتیس و لاک^۴ منتسب دانست (هاساد^۱، ۲۰۰۲).

برای اولین بار اندیشه پرداختن به نخست‌های معنایی به نظریه ارائه شده از سوی لایب‌نتیس (۱۹۶۱، به نقل از تجربه‌کار عربانی، ۱۳۸۹) برمی‌گردد بر اساس آن اندیشه همه افراد بشر به هر میزان که پیچیده باشد، از مجموعه‌ای از عناصر سازنده ابتدایی و اولیه تشکیل شده است، این مفاهیم ساده که ذاتی و ذهنی^{۱۳} است برای تمامی افراد بشر یکسان و مشابه‌اند. لایب‌نتیس این نظام فرضی را الفبای اندیشه آدمی نامیده است. به اعتقاد لایب‌نتیس، علت وجود مجموعه‌ای از مفاهیم ساده، ذهنی و ذاتی آن است که توصیف تمامی واژه‌ها باید بر مبنای چنین مفاهیم ساده‌ای که خود بی‌نیاز از توصیف باشند، باشد. بنابراین شناخت این عناصر ابتدایی و اولیه که درک افراد بشر از مفاهیم، بستگی به آن‌ها دارد، بسیار مهم خواهد بود. لایب‌نتیس معتقد بود، از آنجا که زبان بهترین آینه ذهن است، این مهم فقط از طریق تحلیل زبان‌های بشر امکان‌پذیر خواهد بود. در قرن بیستم، تعدادی از زبان‌شناسان به تحقیق و پژوهش در زمینه نخست‌های معنایی از طریق تحلیل معانی رمزگذاری شده در زبان‌ها پرداختند، اما هیچ‌کدام از آنان پیرو نظریه الفبای اندیشه آدمی که لایب‌نتیس مطرح کرده بود نبودند و اساساً به دگرگونی تقلیل‌گرا^{۱۴} یعنی بیان مفاهیم پیچیده از طریق مفاهیم ساده در قالب عبارتهایی کوتاه نمی‌اندیشیدند. ناگفته نماند که لایب‌نتیس هنگام طرح نظریه الفبای اندیشه آدمی درباره فهرست

نخستی‌های معنایی فرضی سخنی به میان نیاورده بود (تجربه‌کار عربانی، ۱۳۸۹).

بوگوسلاوسکی^{۱۵} (۱۹۷۰) نشان داد که مطلوب‌ترین شیوه در ارتباط با چگونگی فهرست مفاهیم بنیادین از «زبان» نشأت می‌گیرد. برخلاف طرفداران «تحلیل مؤلفه‌ای^{۱۶}» که در مطالعات خود متوسل به ابزارهایی نظیر «مشخصه‌ها^{۱۷}» و «نشانه‌ها^{۱۸}» می‌شدند، بوگوسلاوسکی در ارتباط با نخست‌های معنایی پیرو لایب‌نیتس بود و بر دگرگونی «تقلیل‌گرا» تأکید می‌ورزید. بنابراین در جایی که نظریه‌پردازی فلاسفه به شکست انجامیده بود، زبان‌شناسان به موفقیت‌های چشمگیری دست یافتند، چرا که پیرو سخنرانی بوگوسلاوسکی این امکان به وجود آمد که به نخست‌های معنایی از منظری نوین پردازند و در حقیقت آن را جزء برنامه‌های یک علم شناختی قلمداد کردند (به نقل از گودار^{۱۹}، ۱۹۹۸).

جکنداف^{۲۰} (۱۹۸۳)، به نقل از تجربه‌کار عربانی، (۱۳۸۹) نیز مقوله‌هایی را به‌عنوان عناصر ذاتی اولیه ارائه نمود که عبارت‌اند از جهت^{۲۱}، کنش^{۲۲}، ظرف^{۲۳}، چیز^{۲۴}، مسیر^{۲۵}، ویژگی^{۲۶}، وضع^{۲۷}، رویداد^{۲۸}، از^{۲۹}، به^{۳۰}، استقرار^{۳۱}، مقدار^{۳۲}، سبب^{۳۳} و حرکت^{۳۴}. جکنداف با استفاده از این عناصر و علائمی مانند گروه، علامت جمع، علامت منها و نظایر آن کوشید تا یک «فرازبان معنایی انتزاعی^{۳۵}» را ارائه کند. جکنداف در رویکرد خود «معنی‌شناسی مفهومی^{۳۶}» بر «بازنمودهای معنایی^{۳۷}» توجه داشت تا بر توصیفاتی که غالباً برای همه افراد قابل فهم باشد. به گفته جکنداف (۱۹۸۷) «معنی در زبان‌های طبیعی، ساخت اطلاعاتی است که آدمی آن را در ذهن خود رمزگردانی کرده است» (به نقل از تجربه‌کار عربانی، ۱۳۸۹).

ملچوک^{۳۸} (۱۹۸۹) نیز به این نکته تأکید داشتند که نخست‌های معنایی باید به‌عنوان واحدهای واژگانی^{۳۹} در نظر گرفته شوند، نه واژه صرف. به این دلیل که یک نخست‌های معنایی ممکن است در یک زبان طبیعی دارای معانی متعددی یا «چندمعنا^{۴۰}» باشد که از این میان تنها یکی از آن‌ها به‌عنوان مفهوم مشترک در میان زبان‌ها و در جدول نخست‌های معنایی منظور می‌گردد.

ویرزبیکا (۱۹۹۴) از جمله نخستین واژه‌شناسانی است که با هدف دستیابی به جهانی‌های معنایی، به معنی‌شناسی قدم نهاد و با معرفی آنچه خود «معنی‌شناسی طبیعی^{۴۱}» می‌نامید، سعی بر آن داشت تا به نخست‌های معنایی دست یابد. ویرزبیکا به مفاهیم جهانی دست یافت و مجموعه‌ای از نخست‌های معنایی را کشف کرد که حضورشان در تمامی زبان‌ها قابل ردیابی است. وی در سال ۱۹۹۴ نخستین گروه از این جهانی‌های معنایی را معرفی کرد و در سال‌های اخیر نیز تعدادی بر آن‌ها افزود، و به همین دلیل نام «نخستی‌های کهنه^{۴۲}» و «نخستی‌های تازه^{۴۳}» بر آن‌ها نهاد (صفوی، ۱۳۸۱).

گودار و ویرزبیکا (۱۹۹۴) به بررسی نخست‌های معنایی در زبان‌های گوناگون می‌پردازند. آن‌ها برای نیل به این هدف نخست‌های معنایی نه زبان را، که از سوی پژوهشگران دیگر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است، ارائه می‌دهند.

به اعتقاد ویرزبیکا (۲۰۰۵، ص. ۱۳۶) تحلیل معنایی، علاوه بر اینکه باید بر اساس یک فرازبان معنایی شامل فهرستی از نخست‌های معنایی و قواعد نحوی ترکیب آن‌ها باشد، باید برگرفته از زبان

طبیعی نیز باشد؛ یعنی فقط از طریق زبان روزمره، بدون کاربرد علائم و ابزار مصنوعی قابل فهم باشد. علاوه بر آن، مکتب معنی‌شناسی مسکو^{۴۴} بیشتر بر مفاهیم «میانی»^{۴۵} تأکید داشت تا بر نخست‌های معنایی؛ و افزون بر آن تاکنون هیچ مجموعه محدودی از نخست‌های معنایی را ارائه ننموده است. تأکید ویرزبیکا و پیروانش در تحلیل معنایی بیشتر بر «نخستی‌ها و مولکول‌های معنایی» است از سوی دیگر، مجموعه محدودی از نخست‌های معنایی را نیز در قالب نظام «فرازبان معنایی طبیعی» ارائه کرده‌اند (گودار، ۲۰۰۸).

مولر و همکارانش^{۴۶} (۲۰۰۵) این موضوع را بررسی می‌کنند که نخست‌های معنایی به دلیل داشتن ویژگی صرفی، گرایش به فراوانی زیاد دارند ولی این موضوع باعث نمی‌شود که نخست‌های معنایی به‌طور طبیعی در برنامه درسی واژگان مقدماتی زبان‌آموزان راه پیدا کند. برای اثبات این مسئله از سه کتاب درسی مقدماتی دانش‌آموزان انگلیسی‌زبان نمونه‌برداری کردند. این کتاب‌ها عبارت‌اند از ۱. کتاب «آلمان امروز»^{۴۷} که مولر و دیگران در سال ۲۰۰۵ آن را بررسی کرده‌اند؛ ۲. کتاب «خواننده کاربردی چینی جدید»^{۴۸} که سال ۲۰۰۴ بررسی کرده‌اند و ۳. کتاب «کره‌ای یک»^{۴۹} (به نقل از گودار و ویرزبیکا، ۲۰۰۷).

از میان ۵۰۰ عنصر واژگانی حدود ۳۰ مورد از نخست‌های معنایی در کتاب «کره‌ای یک» بود و حدود ۴۰ مورد هم در کتاب «آلمان امروز» به این معنی است که در بهترین متن هم از یک‌سوم نخست‌های معنایی در برنامه درسی مقدماتی استفاده نشده است. شایان ذکر است نخست‌های معنایی like, the same, happen, there is, part, kind در کتاب‌های درسی فوق به کار برده نشده بود. باین‌حال، در نظر برخی افراد این نتیجه بالاترین حد استفاده از یک کلمه در مراحل اولیه واژگان زبان‌آموز است. نخست‌های معنایی در برنامه درسی کتاب‌های چینی و کره‌ای از نصف نخست‌های معنایی مقدماتی نیز کمتر بود؛ عناصری مانند may be, other, because حذف شده بودند و از قید زمان و مکان به اندازه کافی استفاده نشده بود (گودار و ویرزبیکا، ۲۰۰۷).

به اعتقاد پیترز^{۵۰} (۲۰۰۶، ص. ۵۰) هسته مشترک مانند یک زبان کوچک^{۵۱} عمل می‌کند که می‌تواند به‌عنوان یک فرازبان معنایی که به لحاظ فرهنگی خنثی است برای توصیف زبان‌ها، مطالعه تنوعات فرهنگی، یگانگی روان‌شناختی بشر، آموزش و ارتباطات بینا فرهنگی^{۵۲} مورد استفاده قرار گیرد (افراشی و طاهری اردلی، ۱۳۹۱).

گودار (۲۰۰۸) رویکرد فرازبان معنایی طبیعی و نخست‌های ارائه‌شده در چارچوب این نظام را معرفی می‌کند و به بحث بررسی نخست‌های معنایی در زبان انگلیسی می‌پردازد. علاوه بر آن در این اثر، نظام فرازبان معنایی طبیعی و نخست‌های ویژه را که چندین بار از سوی زبان‌شناسان دیگری مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است را، ارائه می‌دهد. این موارد عبارت‌اند از آثار آمبربر^{۵۳} (۲۰۰۸)، یون^{۵۴} (۲۰۰۸) و یونکر^{۵۵} (۲۰۰۸) (به نقل از تجربه‌کار عربانی، ۱۳۸۹).

بسمرس^{۵۶} و ویرزبیکا (۲۰۱۰) در پژوهش‌های گسترده بین‌زبانی نشان داده‌اند که حدود شصت مفهوم با بازنمود واژگانی در تمام زبان‌های دنیا وجود دارد که به نظر می‌رسد این مفاهیم ذاتی هستند. مفاهیمی مانند Like, Do, Small, Big که گرچه خود قابل تعریف نیستند، می‌توان با استفاده از آن‌ها به توصیف دیگر عبارات‌های دشوار و پیچیده پرداخت (به نقل از گودار، ۱۹۹۸).

صفوی (۱۳۸۱) به دو رهیافت عمده مطالعه جهانی‌های زبانی اشاره می‌کند و نقاط قوت و ضعف هر یک را بیان می‌کند. دیدگاه گرینبرگ^{۵۷} بر مطالعه مجموعه وسیعی از زبان‌ها تأکید دارد و به همین دلیل به شباهت‌هایی توجه می‌کند که بتوانند از طریق مطالعه‌ای سطحی به دست آیند. دیدگاه چامسکی^{۵۸} بر ژرف‌نگری هرچه بیشتر در این مطالعه تأکید دارد و به همین دلیل در محدوده مطالعه مجموعه کوچک‌تری از داده‌ها باقی می‌ماند و ضریب خطا را در تعیین جهانی‌های زبان بالا می‌برد. روشی که در این مقاله مورد نظر قرار گرفت، دیدگاهی است که از سوی مارتینه^{۵۹} معرفی شده است. در این روش، ویژگی‌ای می‌تواند جهانی باشد که اگر در زبانی وجود نداشت، آن زبان، «زبان» به حساب نیاید. بنابراین صفوی صرفاً ویژگی‌ای را «جهانی زبان» می‌داند که در محدوده جهانی‌های نامقید^{۶۰} گرینبرگ قرار گیرد و از سوی دیگر، تابع جهانی‌های جوهری چامسکی باشد؛ به این معنی که اگر ویژگی‌ای جهانی است، باید بدون استثنا در تمامی زبان‌های طبیعی وجود داشته باشد ولی تظاهر این ویژگی الزاماً به یک شکل واحد نباشد. با توجه به نظر صفوی به این نتیجه می‌رسیم که جهانی‌های معنایی در اصل مقولاتی شامل، واژه‌ها و عباراتی است که در تمامی زبان‌های طبیعی وجود دارند؛ باوجوداین، این مقولات در هر زبان به شکل خاص خود تجلی می‌یابد.

افراشی (۱۳۸۵) در مقاله خود با توجه به رویکرد فرازبان منطقی طبیعی، به مسئله «ترجمه‌پذیری» اشاره می‌کند. در این رویکرد فرض بر آن است که نخست‌های معنایی، مفاهیم ذاتی به حساب می‌آیند که در تمامی زبان‌ها مشترک‌اند و به همین دلیل ترجمه‌پذیرند. گذر از این مفاهیم ذاتی به مفاهیم پیچیده، امکان ترجمه‌پذیری را تقلیل می‌دهد و هرچه ما از این مفاهیم ذاتی به سمت مفاهیم پیچیده حرکت کنیم، با مفاهیم بر ساخته از بن‌مایه فرهنگ روبه‌رو خواهیم شد که می‌توانند تا حد «ترجمه‌ناپذیر» جلو بروند. تجربه کار عربانی (۱۳۸۹) در پژوهش خود درصدد معرفی یکی از انواع کمتر شناخته‌شده رده‌شناسی معنایی^{۶۱} است که در آن روند شکل‌گیری رده‌شناسی معنایی به‌طور عام و در حوزه معنایی واژه‌های اعضای بدن و جهانی‌های مرتبط با آن به‌طور خاص بررسی می‌گردد. برای نیل به این هدف ابتدا انواع جهانی‌های معنایی مطرح‌شده از سوی زبان‌شناسان ارائه گردیده است. سپس، نحوه معرفی واژه‌های حوزه بدن با هدف رده‌شناسی معنایی توسط ویرزبیکا و گروه «مسئله ویرزبیکا» بیان شده است. در ادامه به‌منظور مقایسه رسیدن به شیوه مطلوب جهت رده‌شناسی معنایی داده‌های ۳۴ عضو از هشت زبان و گویش ایرانی - فارسی، گیلکی، مازندرانی، تالشی، بلوچی، کردی، لری و لکی با استفاده از چارچوب‌های نظری ارائه شده است. نتایج حاکی از آن است که بیان معنی واژه‌های حوزه بدن

و سایر حوزه‌های معنایی بنیادین شامل اسامی رنگ‌ها، حیوانات، افعال حسی، استعاره‌های گفتاری، روابط خویشاوندی و پدیده‌های طبیعی و جوی در زبان‌های مختلف با استفاده از نخست‌های معنایی (جهانی‌های معنایی) یک معیار مشترک و جهانی است. از لحاظ رده‌شناسی معنایی، توصیف درون زبانی این واژه‌ها مناسب و ارجح است و اطلاعات جمع‌آوری شده حاصل زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نیز مؤید این مطلب است.

افراشی و طاهری اردلی (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان «نگاهی به مفاهیم بنیادی و امکان ترجمه‌پذیری» معتقدند که فرازبان معنایی طبیعی که در طبقه نظریه‌های معنی‌شناختی واژگانی قرار دارد، دستاوردی برای نظریه ترجمه فراهم می‌آورد که مهم‌ترین ویژگی آن امکان‌پذیر ساختن ترجمه‌پذیری بین‌زبانی و بینا فرهنگی است. این نظریه با ماهیتی تجربی و مبتنی بر پژوهش‌های میدانی، به تدریج ماهیتی شناختی یافته است و امروز، نظریه‌پردازان آن (گودار، ۲۰۱۱، ص. ۴۷) به صراحت این نظریه را در زمره نظریه‌های شناختی قرار می‌دهند و به تبع آن، این نظریه‌پردازان مفاهیم بنیادی^{۶۲} را معرفی می‌کنند که مبنای شناختی دارند؛ در نتیجه، نزد همه انسان‌ها با هر زبانی که تکلم کنند قابل درک هستند. این شصت مفهوم بنیادی نه تنها خود کاملاً ترجمه‌پذیرند، بلکه چون همه مفاهیم دیگر زبان‌ها به کمک آن‌ها توصیف می‌گردند، از این رو، ترجمه بین‌زبانی و بینا فرهنگی را در همه سطوح زبان و در همه سبک‌های زبانی میسر می‌سازند. شواهدی که پژوهشگران در نظریه NSM^{۶۳} از واژه‌هایی با معانی بسیار تخصص‌یافته فرهنگی ارائه می‌دهند، در زمره دشوارترین نمونه‌ها در ترجمه است و پس از نوشتن وصف‌های معنایی، در مرحله نخست درک معنی این واژه‌ها میسر می‌گردد و پس از آن، معادل‌یابی برای آن‌ها یا می‌تواند صورت گیرد و یا اینکه ترجمه آن‌ها از طریق ترجمه مفهومی امکان‌پذیر شود.

بر اساس سخنان افراشی و طاهری اردلی نخست‌های معنایی مجموعه‌ای از مفاهیم هستند که در همه زبان‌ها در قالب واژه‌ها باز نمود پیدا می‌کنند و پیوندهای نحوی میان آن‌ها در همه زبان‌ها قابل دستیابی است، این طور به نظر می‌رسد که این مفاهیم بنیادی نه تنها مبنای اندیشه بشر هستند، بلکه با به‌کارگیری این مفاهیم در ساخت‌های توصیفگر معنی، ترجمه‌پذیری امکان‌پذیر می‌شود. متأثر از مطالعات فوق، پژوهش حاضر به بررسی نخست‌های معنایی در کتاب زبان انگلیسی پایه هفتم می‌پردازد. در این راستا، ابتدا پیکره متنی ایجاد شده است و سپس با استفاده از نرم‌افزار NSP^{۶۴} نوع و فراوانی واژه‌های کتاب مشخص شد. ۵۱۲ مورد نخست‌های معنایی بود. همچنین از فرهنگ لانگمن واژه‌های پربسامد استخراج گردید و مورد مقایسه با پیکره قرار گرفت. در نهایت با استفاده از نرم‌افزار SPSS معناداری آماری مورد بررسی قرار گرفت.

چارچوب نظری پژوهش

در این بخش به چارچوب نظری پژوهش حاضر یعنی «نخست‌های معنایی» و «فرازبان معنایی طبیعی» خواهیم پرداخت؛ اما پیش از آن لازم است برخی مفاهیم مرتبط نیز ارائه شود.

۱. جهانی‌های زبان

بحث جهانی‌های زبان در واقع پرداختن به ویژگی‌هایی است که در همهٔ زبان‌های طبیعی مشاهده می‌شود. این ویژگی‌ها قاعدتاً باید از یک ضرورت زیست‌شناختی ناشی شده باشد. به سخن دیگر، اگر یک ویژگی در همهٔ زبان‌های بشری مشاهده شود می‌توان نتیجه گرفت که ویژگی مورد نظر بازتاب عملکرد ذهن بشر در همهٔ زمان‌ها و در همهٔ مکان‌هاست. در واقع ویژگی‌های عملکردی مشترک مغز انسان وجود ساخت‌های جهانی را توجیه می‌کند. بنابراین دستور جهانی مجموعه‌ای از ویژگی‌های محدودیت‌هایی است که در مرحلهٔ آغازین زبان‌آموزی در اختیار همهٔ انسان‌ها قرار می‌گیرد و دانش یک زبان خاص بر مبنای آن شکل می‌گیرد (گلفام، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۰).

۲. جهانی‌های معنایی^{۶۵}

جهانی‌های معنایی در اصل مقولاتی هستند شامل، واژه‌ها و عباراتی که در تمامی زبان‌های طبیعی وجود دارند. با وجود این، این مقولات در هر زبان به شکل خاص خود تجلی می‌یابد (صفوی، ۱۳۸۱). بنابراین علاوه بر اینکه تلویحاً به این نتیجه خواهیم رسید که جهانی‌های معنایی همان نخست‌های معنایی هستند می‌توانیم با توجه به تعریف صفوی در خصوص جهانی‌های زبان آن را با اندکی تغییر برای جهانی‌های معنایی نیز در نظر بگیریم. اگر مقوله‌ای را جهانی معنایی می‌دانیم باید بدون استثنا در تمامی زبان‌های طبیعی وجود داشته باشد، ولی تظاهر آن به یک شکل واحد نخواهد بود (تجربه‌کار عربانی، ۱۳۸۹).

۳. زبان‌شناسی شناختی

دبیر مقدم (۱۳۸۳، ص. ۶۵) سه نگرش غالب در زبان‌شناسی امروز را نگرش‌های «صورت‌گرا^{۶۶}»، «نقش‌گرا^{۶۷}» و «شناختی^{۶۸}» می‌داند. زبان‌شناسی شناختی چارچوبی انعطاف‌پذیر است، اما نظریه‌ای واحد نیست. زبان‌شناسی شناختی را می‌توان به خانواده‌ای تشبیه کرد که اعضای آن دارای ویژگی‌های مشترکی هستند، هر چند با یکدیگر تفاوت‌هایی نیز دارند. زبان‌شناسان شناخت‌گرا، مانند همهٔ زبان‌شناسان، زبان را به‌عنوان موضوع علم خود مطالعه می‌کنند و سعی در توصیف نظام و نقش زبان دارند. آن‌ها به بررسی رابطه میان زبان انسان، ذهن و تجارب اجتماعی و فیزیکی او می‌پردازند. یکی از دلایل مهم آن‌ها در مطالعه زبان از این فرض ناشی می‌شود که زبان الگوهای اندیشه و ویژگی‌های ذهن انسان، را منعکس می‌کند (راسخ‌مهند، ۱۳۸۶، ص. ۱۷۲).

بنابراین مطالعهٔ زبان از این نگاه، مطالعهٔ الگوهای «مفهوم‌سازی^{۶۹}» است. با مطالعهٔ زبان می‌توان به ماهیت و ساختار افکار و آرای ذهن انسان پی برد. این مکتب تا حدود زیادی ریشه در مباحث زبانی مطرح در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ دارد. در واقع این نگرش ماحصل «نزاع‌های زبان‌شناسی^{۷۰}» میان

معنی‌شناسان زایشی و طرفداران چامسکی است. دو تن از این افراد، یعنی لیکاف^{۷۱} و لانگاکر^{۷۲}، در ادامه به این نتیجه رسیدند که نگرش در نظریه زبان‌شناسی باید از ریشه تغییر کند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که برخلاف آنچه چامسکی و طرفدارانش به آن معتقدند بنیاد مطالعات زبانی باید بر اساس معنی باشد و قوای شناختی انسان در این مطالعه، مدنظر قرار گیرند. تنها با این نگرش است که یافته‌های زبان‌شناسی می‌توانند واقعیت روان‌شناختی داشته باشد (ص. ۱۷۳).

۴. جهانی‌های شناختی

ایوانز و گرین^{۷۳} (۲۰۰۶، ص. ۶۳) ضمن بیان اینکه «زبان» دارای ویژگی‌ها و خواص «از پیش داده»^{۷۴} است (مانند دستور جهانی که در بردارنده اصول ثابت و ذاتی همه افراد بشر است) و با تأیید آنچه ویرزبیکا تحت عنوان نخست‌های معنایی ارائه کرده است، قائل به نوع شکل‌گیری معنایی از پیش داده توسط مجموعه نخست‌ها هستند. آن‌ها همچنین ابراز می‌دارند که «تعهد شناختی»^{۷۵} و «تعهد تعمیم»^{۷۶} همراه با «نظریه شناخت تجسم‌یافته»^{۷۷} ماهیت «واقعی» که ما درباره‌شان فکر می‌کنیم و سخن می‌گوییم (لیکاف، ۱۹۹۰، به نقل از تجربه‌کار عربانی، ۱۳۸۹)، محدودیت‌هایی را در سطح شناختی اعمال می‌کنند که نشانگر ظرفیت مفهوم‌سازی ذهن بشر است که در زبان منعکس می‌شود. با وجود این، محدودیت‌های مذکور میزان گسترده‌ای از تنوعات مرزگذر را مجاز می‌شمرد.

۵. معنی‌شناسی شناختی

بعید است فرد معنی‌شناسی را بتوان یافت که مدعی شود مطالعه معنی را مستقل از شناخت انجام می‌دهد. به عبارت ساده‌تر، معنی‌شناسی زبانی اساساً مبتنی بر شناخت است. لیکاف نگرشی را در مورد معنی‌شناسی شناختی معرفی کرد که بسیاری از معنی‌شناسان را مجذوب خود ساخت. بر اساس معنی‌شناسی شناختی، دانش زبانی مستقل از اندیشیدن و شناخت نیست. زبان‌شناسی چون چامسکی رفتار زبانی را بخشی از استعدادهای شناختی انسان می‌داند؛ استعدادهایی که برای آدمی امکان یادگیری، استدلال و تحلیل را فراهم می‌آورند. پس شاید بتوان مدعی شد که هسته اصلی اعتقاد این دسته از زبان‌شناسان در این عبارت نهفته است که «دانش زبانی»^{۷۸} بخشی از شناخت عام آدمی است (صفوی، ۱۳۸۲، ص. ۳۶۴).

آنچه امروزه معنی‌شناسی شناختی نامیده می‌شود، یک نظریه واحد نیست، بلکه مجموعه رویکردهای متفاوتی است که در اساس وجوه اشتراکی دارند و همین وجود اشتراک است که اصول بنیادین چنین نگرشی را تشکیل می‌دهد (مهران، ۱۳۸۸).

۶. نخست‌های معنایی ویرزبیکا

شکل‌گیری اندیشه پرداختن به نخست‌های معنایی از سوی ویرزبیکا به سال ۱۹۶۵ بازمی‌گردد. وی تحت تأثیر آرای بوگوسلاوسکی زبان‌شناس لهستانی و سخنرانی وی در دانشکده ورشو، در صدد برآمد

بررسی میزان کاربرد نخست‌های معنایی (جهانی‌های معنایی) کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه (Prospect1)

تا به گردآوری فهرستی از نخست‌های معنایی پردازد (افراشی، ۱۳۸۵). نظریه فرازبان معنایی طبیعی یا NSM از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی تاکنون تغییرات بسیاری داشته است. در اولین آثار ویرزبیکا، تنها سخن از چهارده نخست معنایی است و در اثرش در سال ۱۹۸۰ این فهرست چندان فراتر از این تعداد نبود، اما در خلال دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی تعداد پیشنهادی نخست‌ها تغییر چشمگیری کرد و اکنون تعداد آن‌ها به شصت و چهار رسیده است (افراشی و طاهری اردلی، ۱۳۹۱)

روش کشفی که منجر به ارائه فهرست نخست‌های معنایی شد، «روش تجربی»^{۷۹} (آزمون وخطا) با استناد به تعریف مجموعه گسترده‌ای از واژه‌ها بود. همه نخست‌های پیشنهادی، ویژگی نخست بودن خود را به دلیل کارآمدی آن‌ها در شکل دهی به یک وصف معنایی، و از طرف دیگر، به دلیل مقاومت این نخست‌ها در برابر ارائه وصف معنایی «دورپذیر»^{۸۰} برای آن‌ها به اثبات رسانده‌اند. هم‌ترین راه سنجش اینکه یک نخست به‌راستی یک مفهوم بنیادی است، این است که نتوان برای آن تعریفی ارائه داد (گودار، ۲۰۰۳). نکته قابل توجه در ارتباط با مجموعه نخست‌ها و جهانی‌های معنایی آن است که در این واژه‌ها «جهانی بودن» در مقایسه با «توصیف‌ناپذیری»^{۸۱} یک خصیصه ثانوی است. ویرزبیکا در این خصوص واژه «مادر» و «پدر» را مثال می‌زند و معتقد است که این واژه‌ها جهانی‌اند، ولی به دلیل نداشتن ویژگی توصیف‌ناپذیری جزء مجموعه نخست‌های معنایی قرار نمی‌گیرند (ویرزبیکا، ۱۹۹۲، ص. ۱۹).

جدول ۱. نخست‌های معنایی ویرزبیکا و بسمرس (۲۰۱۰)، به نقل از افراشی و طاهری اردلی، (۱۳۹۱)

مقاله معنایی	معادل واژگانی نخست‌های در زبان انگلیسی
کنشگرها	I, you, someone, people, something ~ thing, body
کنشگرهای رابطه‌ای	Kind, part
تخصیص‌نماها	This, the same, other ~ else
کمیت‌نماها	One, two, some, all, much ~ many, little ~ few
ارزش‌نماها	Good, bad
توصیف‌نماها	Big, small
گزاره‌های ذهنی	Think, know, want, feel, see, hear
گفتارنماها	Say, words, true
کنش، رخداد، حرکت، تماس	Do, happen, move, touch
مکان، موجودیت، مالکیت، مشخصه	(Be (some where), there is, have, be (some one/ something

جدول ۱. (ادامه) نخستی‌های معنایی ویرزیبیکا و بسمرس (۲۰۱۰) برگرفته از وبگاه تخصصی NSM

مقاله معنایی	معادل واژگانی نخستی در زبان انگلیسی
مرگ و زندگی	Live, die
زمان	When ~ time, now, before, after, a long time, a short time, for some time, moment
مکان	Where ~ place, here, above, below, far, near, side, in side
مفاهیم منطقی	Not, maybe, can, because, if
تشدیدکننده‌ها	Very, more
شبهات‌نماها	Like~as~way

به‌طور کلی مقوله‌های ذکر شده در بردارنده واحدهای واژگانی به‌صورت «واژه^{۸۲}»، «عبارت^{۸۳}» و «واژه‌گونه^{۸۴}» هستند. واژه‌گونه وضعیتی است که در آن برای یک مفهوم واژه‌های متعددی وجود داشته باشد؛ مانند (I, me, something, thing, what). نخستی‌های معنایی ممکن است به لحاظ ساخت واژه پیچیده باشند یا ویژگی‌های واژه - نحوی^{۸۵} متفاوتی داشته باشد یعنی به طبقات واژگانی مجزایی متعلق باشند (ویرزیبیکا، ۲۰۰۷؛ گودار، ۲۰۰۸).

۷. نظریه فرازبان معنایی طبیعی

نظریه فرازبان معنایی طبیعی رویکردی است تجزیه‌پذیر^{۸۶} در معنی‌شناسی که اولین بار توسط ویرزیبیکا با کتاب نخستی‌های معنایی (۱۹۷۲) معرفی شد. این رویکرد به معنی‌شناسی بینابانی، بر مبنای یک برنامه تحقیقاتی منسجم و طولانی مدت پایه‌گذاری شده است. بر این اساس هر زبانی دارای مجموعه‌ای از عناصر معنایی هسته‌ای، غیراختیاری^{۸۷} و تقلیل‌ناپذیر^{۸۸} است که از آن‌ها به‌عنوان نخستی‌های معنایی یاد می‌شود و بر پایه نحو مشخصی با یکدیگر قابلیت ترکیب‌پذیری دارند. چنین نظامی از دستور و معنی‌های نخستی را یک فرازبان معنایی طبیعی می‌نامند (افراشی و طاهری اردلی، ۱۳۹۱).

در چارچوب این نظام، انتخاب نخستی‌های معنایی برحسب دو شرط صورت پذیرفته است: الف. نخستی معنایی فی‌نفسه توصیف‌ناپذیر باشد و به بیان ساده‌تر، معنی آن به کمک معانی سایر الفاظ قابل دستیابی نباشد. ب. نخستی معنایی جهانی باشد، یعنی در تمامی زبان‌های طبیعی وجود داشته باشد (افراشی، ۱۳۸۵).

با توجه به آشنایی با مفاهیم مرتبط به فرازبان معنایی طبیعی و نخستی‌های معنایی، در بخش بعد به موضوع پژوهش حاضر خواهیم پرداخت.

روش پژوهش و تحلیل داده‌ها

پیکره پژوهش حاضر کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه با مجموع ۶۵۴۵ نمونه^{۸۹} از ۹۳۴ نوع^{۹۰} است. منظور از نمونه تعداد صورت‌های مکرر یک واژه یا نوع در متن است. این پژوهش از نوع کاربردی است و روش تحقیق آن تحلیل محتواسست و پیکره پژوهش کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه است. در این راستا، ابتدا کتاب درسی به صورت فایل متنی text تبدیل شده است. در مرحله بعد، با استفاده از نرم‌افزار NSP فراوانی کل واژه‌ها و مؤلفه‌های معنایی (نخستی‌های معنایی) استخراج شد و مؤلفه‌های معنایی بر اساس الگوی ویرزیکا طبقه‌بندی شدند. این طبقات شامل کنشگرها، کنشگرهای رابطه‌ای، تخصیص‌نماها، کمیت‌نماها، ارزش‌نماها، توصیف‌نماها، گزاره‌های ذهنی، گفتارنماها، کنش‌نماها، مکان‌نماها، موجودیت‌نماها، مالکیت‌نماها، مشخصه‌نماها، نخست‌های معنایی مرگ و زندگی، زمان‌نماها، مکان‌نماها، مفاهیم منطقی، تشدیدکننده‌ها و شباهت‌نماها هستند. توزیع فراوانی نخست‌های معنایی به کاررفته در کل کتاب درسی به همراه فراوانی هر یک به صورت درصد درج شده است. با مقایسه آن‌ها مشخص شد، چقدر از نخست‌های معنایی در متن کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه استفاده شده است. سپس، با استفاده از نرم‌افزار SPSS به تحلیل آماری داده‌های جمع‌آوری شده پرداختیم. بر اساس آزمون کای دو، مشخص شد که تفاوت موجود میان کل واژه‌ها از جمله نخست‌های معنایی تصادفی نبوده و معنادار است.

قابل ذکر است که در تمام مراحل پژوهش واژه‌های پربسامد از نخست‌های معنایی متمایز است؛ باوجود این نباید این موضوع را نادیده گرفت که نخست‌های معنایی از پربسامدترین واژه‌های زبان محسوب می‌شوند.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل کل مؤلفه‌های معنایی (نخستی‌های معنایی) در جدول‌های زیر درج شده است. در این جدول‌ها توزیع فراوانی نخست‌های معنایی به کاررفته در کل کتاب درسی به همراه فراوانی هر یک به صورت درصد گزارش شده است. با توجه به میزان زیاد نمونه‌ها، و به منظور توصیف راحت‌تر موارد، نخست‌های جدول‌های چندگانه ارائه شده است و در کنار هم قرار گرفتن برخی نخست‌ها، تصادفی است. در جدول ۲ درصد و فراوانی کنشگرها آمده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی کنشگرها (ضمائم)

درصد (در کل)	فراوانی	نخستی‌های معنایی (مؤلفه‌های معنایی)
۱/۳۵	۸۹	I
۲/۵۳۱	۱۳۳	You

بررسی میزان کاربرد نخستی‌های معنایی (جهانی‌های معنایی) کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه (Prospect1)

جدول ۲. (ادامه) توزیع فراوانی کنشگرها (ضمائر)

Some one	۲	۰/۰۳
People	۱۰	۰/۰۱۵
Something	۴	۰/۰۶
Body	۶	۰/۰۹۱

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود در میان کنشگرها you کاربرد بیشتری به مراتب بیش از سایر کنشگرها دارد. دلیل این امر آن است که در متن کتاب درسی پایه هفتم دوره اول متوسطه بیشتر به مخاطب توجه شده تا ضمیر اول شخص I یا دیگر ضمائر. به علاوه، متن درس بیشتر مخاطبی است. در جدول ۳ درصد و فراوانی کنشگرهای رابطه‌ای، تخصیص‌نماها و کمیت‌نماها ذکر شده است.

جدول ۳. کنشگرهای رابطه‌ای، تخصیص‌نماها و کمیت‌نماها

نخستی‌های معنایی (مؤلفه‌های معنایی)	فراوانی	درصد (در کل)
کنشگرهای رابطه‌ای		
kind	۰	۰
Part	۱	۰/۰۱
تخصیص‌نماها		
This	۱۱	۰/۱۶
Other	۸	۰/۱۲۲
کمیت‌نماها		
One	۲۱	۰/۳۲
Two	۹	۰/۱۳۷
Some	۶	۰/۰۹
All	۱	۰/۰۱

همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد kind بسامد صفر دارد. علیرغم اینکه کلمه‌ای مانند kind واژه پرسامد انگلیسی به شمار می‌رود، در کتاب درسی هرگز مشاهده نشده است. در میان تخصیص‌نماها، تخصیص‌نمای this درصد و فراوانی بیشتری دارد. این مطلب نشان می‌دهد که در متن درس بیشتر به ضمیر اشاره و ارجاع به نزدیک توجه شده است. واژه‌های پرسامد مانند else و

بررسی میزان کاربرد نخست‌های معنایی (جهانی‌های معنایی) کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه (Prospect1)

the same در متن کتاب آموزشی به کار برده نشده است. در میان کمیت‌نماها نیز مشاهده می‌شود که one فراوانی بالایی دارد. این مطلب نشانگر آن است که در متن به سایر کمیت‌نماها توجه نشده است. در حالی که کلماتی مانند few, little, many بر اساس تحلیل‌های پیکره‌بنیاد مانند آنچه در فرهنگ لانگمن^{۹۱} مشاهده می‌شود، واژه‌های پریسامد انگلیسی^{۹۲} محسوب می‌شوند، در کتاب درسی ارائه نشده‌اند. در جدول ۴ درصد و فراوانی ارزش‌نماها، توصیف‌نماها، گزاره‌های ذهنی و گفتار نماها بیان شده است.

جدول ۴. ارزش‌نماها، توصیف‌نماها، گزاره‌های ذهنی و گفتار نماها

درصد (در کل)	فراوانی	نخستی‌های معنایی (مؤلفه‌های معنایی)
ارزش‌نماها		
۰/۱۳۷	۹	Good
توصیف‌نماها		
۰	۰	Big
۰	۰	Small
گزاره‌های ذهنی		
۰/۰۱۵	۱۰	Know
۰/۰۴۵	۳	Feel
گفتار نماها		
۰/۵۳	۳۵	Say
۰/۱۶	۱۱	Word

جدول ۴ نشان می‌دهد که در میان ارزش‌نماها واژه good فراوانی بالایی دارد، زیرا در متن کتاب درسی به بار معنایی مثبت بیشتر توجه شده است و به سایر ارزش‌نماها توجه کافی نشده است. نکته جالب و قابل توجه این است که در این کتاب درسی، توصیف‌نماها فراوانی صفر دارند، در حالی که این کلمات بر اساس تحلیل‌های پیکره‌بنیاد جزء واژه‌های پریسامد انگلیسی محسوب می‌شوند. نمونه‌های مربوط به گزاره‌های ذهنی نشان می‌دهد که بیشتر گزاره‌های ذهنی مانند see, hear, want, think فراوانی صفر دارند و در متن کتاب درسی استفاده نشده است و این در حالی است که فعل‌های حسی جزء واژه‌های پریسامد زبان انگلیسی محسوب می‌شود. جالب است که به دلیل وجود ساختارهای کنش گفتاری^{۹۳}، در میان گفتارنماها، say از فراوانی بالایی برخوردار است. در جدول ۵ درصد و فراوانی کنش‌نماها، مکان‌نماها، موجودیت‌نماها، مالکیت‌نماها و مشخصه‌نماها ذکر شده است.

جدول ۵. کنش‌نماها، مکان‌نماها، موجودیت‌نماها، مالکیت‌نماها و مشخصه‌نماها

درصد (در کل)	فراوانی	نخستی‌های معنایی (مؤلفه‌های معنایی)
کنش‌نماها		
۰/۳۳	۲۲	Do
۰/۰۱	۱	Touch
مکان‌نماها، موجودیت‌نماها، مالکیت‌نماها و مشخصه‌نماها		
۰/۰۹۱	۶	Have
۰/۰۱	۱	(Be (some one

جدول ۵ نشان می‌دهد که در میان کنش‌نماها، do فراوانی به مراتب بیش از سایرین دارد. به دلیل اینکه در متن درس بیشتر ساختار امری استفاده شده و سایر کنش‌نماها در متن درس به دانش آموزان آموزش داده نمی‌شود. همان‌طور که از نتایج جدول فوق مشاهده می‌شود در متن کتاب آموزشی از مکان‌نماها، موجودیت‌نماها و مشخصه‌نماها استفاده نشده است. در جدول ۶ درصد و فراوانی مرگ و زندگی، زمان‌نماها، مکان‌نماها و مفاهیم منطقی درج شده است.

جدول ۶. مرگ و زندگی، زمان‌نماها، مکان‌نماها و مفاهیم منطقی

درصد (در کل)	فراوانی	نخستی‌های معنایی (مؤلفه‌های معنایی)
مرگ و زندگی		
۰	۰	die
۰/۰۴۵	۳	Live
زمان‌نماها		
۰/۰۹	۶	When
۰/۱۲	۸	Now
۰/۰۳	۲	Before
مکان‌نماها		
۰/۱۹	۱۳	Where
۰/۰۱	۱	Here

بررسی میزان کاربرد نخست‌های معنایی (جهانی‌های معنایی) کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه (Prospect1)

جدول ۶. (ادامه) مرگ و زندگی، زمان‌نماها، مکان‌نماها و مفاهیم منطقی

درصد (در کل)	فراوانی	نخستی‌های معنایی (مؤلفه‌های معنایی)
۰/۱۵۲	۱۰	Below
مفاهیم منطقی		
۰/۰۹	۶	Not
۰/۰۱	۱	Maybe
۰/۷۴	۴۹	Can
۰/۲۱	۱۴	If

جدول ۶ نشان می‌دهد کلمه die فراوانی صفر دارد. این بدان معناست کلمه‌ای مانند die که یک واژه پرسامد انگلیسی است، در کتاب درسی هرگز به کار برده نشده است که شاید بیشتر جنبه اجتماعی و سن مخاطب در نظر بوده است.

در میان زمان‌نماها now فراوانی بالایی دارد و کلماتی مانند after, before و moment که جزء واژه‌های پرسامد زبان انگلیسی است، در کتاب درسی آورده نشده است. در این کتاب عبارتهای مانند a long time و for some time نیز استفاده نشده است.

همان‌گونه که در جدول ۶ مشاهده می‌شود در میان مکان‌نماها where/ place از فراوانی به مراتب بیش از سایر مکان‌نماها برخوردارند. این در حالی است که همه مکان‌نماها جزء واژه‌های پرسامد زبان انگلیسی محسوب می‌شوند و قاعدتاً باید به دانش‌آموزان آموزش داده شوند. نکته قابل توجه این است که در میان مفاهیم منطقی because فراوانی صفر دارد و در کتاب درسی استفاده نشده است. شواهد نشان می‌دهد جملات مرکب، که از جمله ساختارهای پرسامد زبان انگلیسی است، به دانش‌آموزان آموزش داده نمی‌شود و در نتیجه این واژه که در جملات مرکب کاربرد دارد و بیانگر ساختارهای علت و معلولی است، فراوانی صفر داشته است. در جدول ۷ درصد و فراوانی تشدیدکننده‌ها و شباهت‌نماها بیان شده است.

جدول ۷. تشدیدکننده‌ها و شباهت‌نماها

درصد (در کل)	فراوانی	نخستی‌های معنایی (مؤلفه‌های معنایی)
تشدیدکننده‌ها		
۰	۰	Very
۰	۰	More

بررسی میزان کاربرد نخست‌های معنایی (جهانی‌های معنایی) کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه (Prospect1)

جدول ۷. (ادامه) تشدیدکننده‌ها و شباهت‌نماها

شباهت‌نماها		
Like	۰	۰
As	۰	۰

بررسی جدول ۷ حاکی از میزان فراوانی صفر برای تشدیدکننده‌ها است، بر اساس تحلیل‌های پیکره‌بنیاد مانند آنچه در فرهنگ لانگمن مشاهده می‌شود، واژه‌های پربسامد انگلیسی محسوب می‌شوند. نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که شباهت‌نماها در کتاب درسی، فراوانی صفر دارند.

جدول ۸. مقایسه کل مؤلفه‌های معنایی برحسب تعداد و درصد در نمونه مطالعه

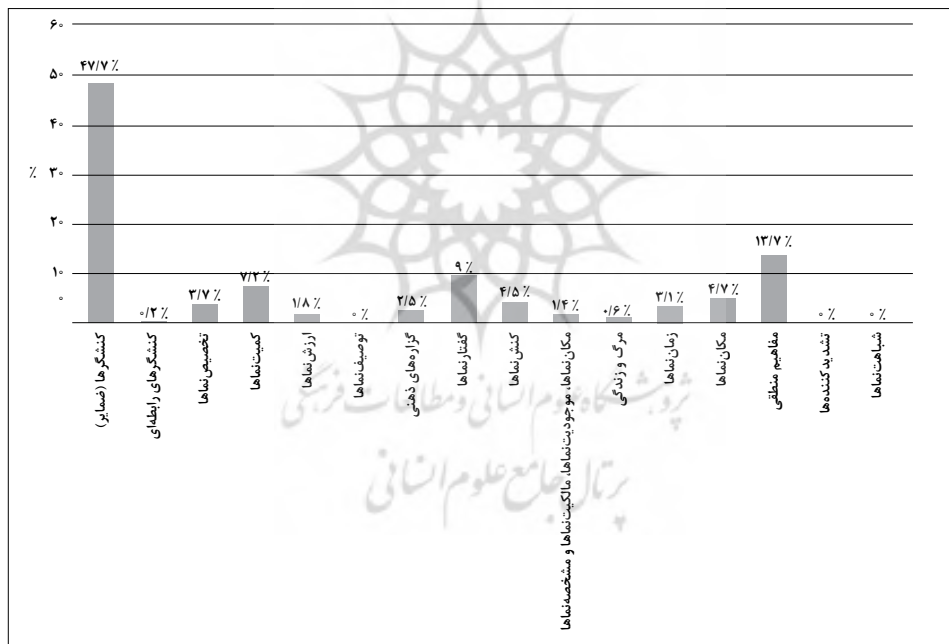
درصد	فراوانی	نخستی‌های معنایی (مؤلفه معنایی)
۴۷٫۷	۲۴۴	کنشگرها (ضمایر)
۰٫۲	۱	کنشگرهای رابطه‌ای
۳٫۷	۱۹	تخصیص‌نماها
۷٫۲	۳۷	کمیت‌نماها
۱٫۸	۹	ارزش‌نماها
۰	۰	توصیف‌نماها
۲٫۵	۱۳	گزاره‌های ذهنی
۹٫۰	۴۶	گفتارنماها
۴٫۵	۲۳	کنش‌نماها
۱٫۴	۷	مکان‌نماها، موجودیت‌نماها، مالکیت‌نماها و مشخصه‌نماها
۰٫۶	۳	مرگ و زندگی
۳٫۱	۱۶	زمان‌نماها
۴٫۷	۲۴	مکان‌نماها
۱۳٫۷	۷۰	مفاهیم منطقی
۰	۰	تشدیدکننده‌ها

بررسی میزان کاربرد نخست‌های معنایی (جهانی‌های معنایی) کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه (Prospect1)

جدول ۸ (ادامه). مقایسه کل مؤلفه‌های معنایی بر حسب تعداد و درصد در نمونه مطالعه

درصد	فراوانی	نخستی‌های معنایی (مؤلفه معنایی)
۰	۰	شباهت‌نماها
۱۰۰,۰	۵۱۲	کل

پس از بررسی متن کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه، با توجه به جدول (۸) و نمودار (۱) می‌توان میزان کاربرد نخست‌های معنایی موجود در متن را تحلیل نمود. کل نخست‌های معنایی استخراج شده ۵۱۲ مورد است یعنی ۷/۸ درصد کل واژه‌ها به نخست‌های معنایی اختصاص داده شده است. در نمودار (۱) شاهد مقایسه میزان کاربرد نخست‌های معنایی در کتاب درسی هستیم. این تفاوت در جدول ۹ به کمک آزمون کای دو مورد بررسی معناداری آماری قرار گرفته است.



نمودار ۱. مقایسه نخست‌های معنایی بر حسب درصد

بر اساس جدول ۸ و نمودار ۱ و همچنین نتایج آزمون کای دو در جدول ۹، مشخص می‌شود که میان انواع نخست‌های معنایی، اختلاف معناداری وجود دارد. بدین معنی که از میان کل نخست‌های معنایی، کنشگرها (ضمایر) دارای بیشترین درصد (۴۷,۷) هستند. کنش‌گرهای رابطهای، مکان‌نماها، موجودیت‌نماها، مالکیت‌نماها، مشخصه‌نماها و نخست‌های معنایی مرگ و زندگی کمترین درصد (به

بررسی میزان کاربرد نخست‌های معنایی (جهانی‌های معنایی) کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه (Prospect1)

ترتیب عبارت‌اند از: ۰,۲، ۱,۴، ۱,۴، ۱,۴، ۱,۴، ۱,۴، ۱,۴، ۰,۶ و ۰,۶ را در متن داشته‌اند و در نهایت نخست‌های معنایی توصیف‌نماها، تشدیدکننده‌ها و شباهت‌نماها در متن کتاب درسی استفاده نشده است یعنی درصد صفر دارند.

جدول ۹. نتایج آزمون کای دو مربوط مقایسه نخست‌های معنایی

Group	
۱۲۶۴,۱۲۵a	Chi-Square
۱۲	Df
۰۰۰	P-value

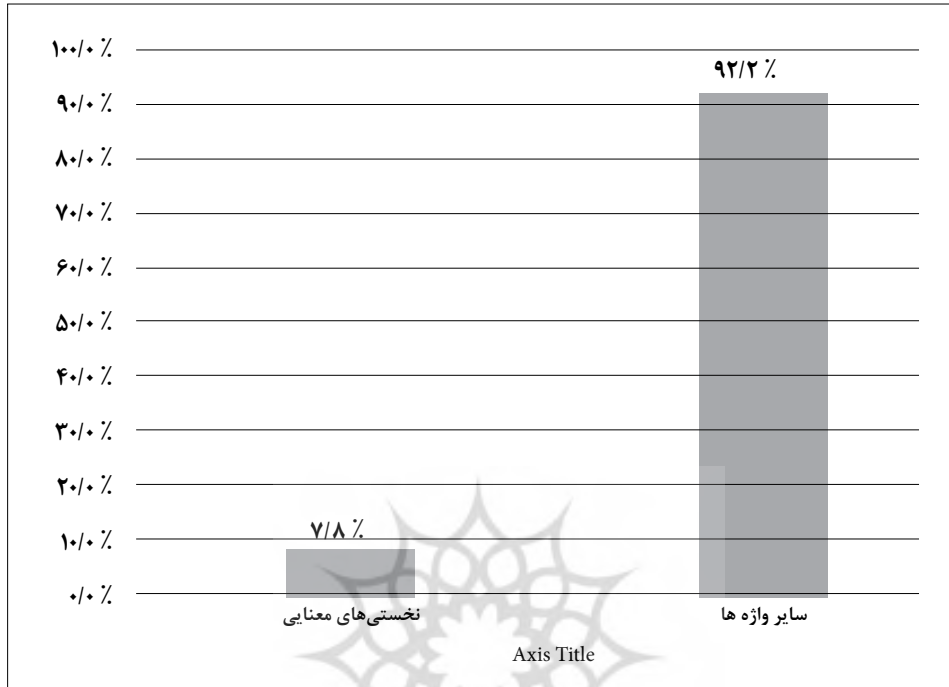
بر اساس نتایج آزمون کای دو در جدول ۹ میان انواع نخست‌های معنایی اختلاف معناداری وجود دارد.

جدول ۱۰. مقایسه نخست‌های معنایی و کل واژه‌ها برحسب تعداد و درصد

مقدار	فراوانی	درصد
نخستی معنایی	۵۱۲	۷,۸
سایر واژه‌ها	۶۰۳۵	۹۲,۲
مجموع	۶۵۴۷	۱۰۰

بر طبق آنچه جدول ۱۰ نشان می‌دهد فراوانی نخست‌های معنایی در کل پیکره ۵۱۲ مورد و سایر واژه‌ها ۶۰۳۵ است. بعلاوه ۷/۸ درصد متعلق به نخست‌های معنایی و مابقی به سایر واژه‌ها اختصاص داده شده است. که در نمودار ۲ نیز مشخص شده است.

بررسی میزان کاربرد نخست‌های معنایی (جهانی‌های معنایی) کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه (Prospect1)



نمودار ۲. مقایسه نخست‌های معنایی و کل واژه‌ها بر حسب تعداد و درصد

نگاهی به جدول ۱۰ و نمودار ۲ نشان می‌دهد که از ۶۵۴۷ واژه به‌کاررفته در کل پیکره تنها ۵۱۲ نمونه یعنی ۷/۸ درصد نخست‌های معنایی به کار رفته است. همچنین نتایج آزمون کای دو، مربوط به کل واژه‌ها اعم از نخست‌های معنایی در جدول ۱۱ آمده است. بر اساس نتایج آزمون کای دو در جدول ۱۱ بین انواع نخست‌های معنایی اختلاف معناداری وجود دارد.

جدول ۱۱: نتایج آزمون کای دو در بررسی کل نخست‌های معنایی

Group	
۴۶۵۹,۱۶۱a	Chi-Square
۱	Df
۰۰۰	P-value

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

به‌منظور بررسی میزان کاربرد نخست‌های معنایی در کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه (prospect 1) پس از تحلیل آماری داده‌های جمع‌آوری‌شده آزمون کای دو انجام شد. با مشاهده و مقایسه مؤلفه‌های معنایی (نخستی‌های معنایی) و کل واژه‌های کتاب، بر اساس جدول‌های ۱۰ و ۱۱ و نمودار ۲ مشخص می‌شود که فراوانی نخست‌های معنایی در مقایسه با سایر صورت‌های واژگانی بسیار کم است. کل نخست‌های معنایی استخراج‌شده ۵۱۲ مورد است یعنی از کل واژه‌ها ۷/۸ درصد به نخست‌های معنایی اختصاص یافته است. این در حالی است که بر اساس پژوهش‌های قبلی (مولر و همکاران) در تهیه و تدوین کتاب‌های درسی مقدماتی زبان آموزان، باید از کل نخست‌های معنایی و یا حداقل بخش زیادی از نخست‌های معنایی استفاده شود.

از سوی دیگر، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که کنشگرها (ضمایر) دارای بیشترین فراوانی و درصد هستند. کنشگرهای رابطه‌ای، مکان‌نماها، موجودیت‌نماها، مالکیت‌نماها، مشخصه‌نماها و نخست‌های معنایی مرگ و زندگی کمترین فراوانی و درصد را در متن داشته‌اند. نخست‌های معنایی توصیف‌نماها، شباهت‌نماها و تشدیدکننده‌ها (big, small, very, more, like و way) در نمونه مورد مطالعه دارای فراوانی صفر هستند. بررسی‌ها و شواهد آماری حاکی از آن است که درصد فراوانی نخست‌های معنایی کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه (prospect 1) بسیار کم است، و این نشان می‌دهد که متن‌های انتخابی در کتاب درسی بر اساس الگوی آموزش واژه‌های پایه ارائه نشده است. واژه‌های پرسامد small, big, more, very, as, like, bad, kind, see, hear, want, think, happen, move, die, side, because, inside, above, far, near, after, moment, be somewhere و ... در این کتاب درسی استفاده نشده است.

به‌علاوه، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نخست‌های معنایی که قابلیت توصیف به کمک واژه‌های دیگر ندارند و فقط بر اساس ترجمه از زبان مبدأ به زبان مقصد قابل درک‌اند، در نخستین کتاب درسی می‌تواند به درک بهتر زبان آموزان ایرانی از ساختارهای زبان انگلیسی بیانجامد. همچنین استفاده از واژه‌های پرسامد، که بیشتر نخست‌های معنایی از این دست است، در نخستین کتاب درسی زبان انگلیسی، می‌تواند به درک بهتر زبان آموزان از مفاهیم پیچیده‌تر بیانجامد؛ موضوعی که با یافته‌های مولر و همکاران (۲۰۰۵) که پیش‌تر به پژوهش آن‌ها اشاره شد، هم‌سو است.

بررسی پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره نخست‌های معنایی در ایران، نشان

بررسی میزان کاربرد نخست‌های معنایی (جهانی‌های معنایی) کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هفتم دوره اول متوسطه (Prospect1)

می‌دهد که این پژوهش‌ها غالباً جنبه نظری داشته است، اما استفاده از این مفاهیم در امر آموزش زبان، اهمیت کاربردی پژوهش حاضر را نمایان می‌سازد. بدیهی است بهره‌گیری از نتایج این پژوهش می‌تواند به تدوینگران کتاب‌های درسی زبان انگلیسی در کشور یاری رساند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- افراشی، آریتا. (۱۳۸۵). نگاهی به نظریه فرازبان معنایی طبیعی و مسئله ترجمه‌پذیری. فصلنامه مطالعات ترجمه، ۴(۱۵)، ۸۱-۷۱.
- افراشی، آریتا و طاهری اردلی، مرتضی. (۱۳۹۱). نگاهی به نظریه فرازبان معنایی طبیعی. فصلنامه مطالعات ترجمه، ۱۰(۳۷)، ۸۵-۷۳.
- تجربه‌کار عربانی، فاطمه. (۱۳۸۹). رده‌شناسی معنایی و مفهوم جهانی‌های معنایی در زبان: بررسی موردی واژه‌های اعضای بدن در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران.
- دبیر مقدم، محمد. (۱۳۸۳). زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی. تهران: انتشارات سمت.
- راسخ مهند، محمد. (۱۳۸۹). درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم. تهران: انتشارات سمت.
- صفوی، کورش. (۱۳۸۱). نگاهی به چگونگی تعیین جهانی‌های معنایی. مجله دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، ۳۵(۳۴)، ۳۹۹-۴۲۸.
- فالک، جولیا. اس. (۱۳۸۰). زبان‌شناسی و زبان (ترجمه علی بهرامی). تهران: رهنما.
- گلفام، ارسلان. (۱۳۹۰). اصول دستور زبان (چاپ چهارم). تهران: انتشارات سمت.
- مهران، زهره. (۱۳۸۸). اهمیت تأثیر درک معنایی واژگان و عوامل انسجامی در یادگیری زبان انگلیسی مقطع راهنمایی بر اساس زبان‌شناسی نقش‌گرا (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.
- Evans, V. & Green, M. (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Great Britain, Manchester: Edinburgh University Press.
- Falk, J. S. (1978). *Linguistics and Language*. New York: John Wiley and Sons.
- Goddard, C. (1998). Bad Arguments against Semantic Primitives. *Journal of Theoretical Linguistics*, 24(2-3), 129-156.
- Goddard, C. (2003). Thinking across Languages and Cultures: Six Dimensions of Variation. *Cognitive Linguistics*, 14(2/3), 109-140.
- Goddard, C. (2008). Natural Semantic Metalanguage: The state of the Art. In C. Goddard (Ed.), *Cross – Linguistic Semantics* (pp. 1-34). Amsterdam: John Benjamins.
- Goddard, C. (2011). *Semantic Analysis: A Practical Introduction* (2nd Ed.). Oxford: Oxford University Press.
- Goddard, C. & Wierzbicka, A. (1994). *Semantic and Lexical Universals: Theory and Empirical Findings* (Vol. 25). Amsterdam: John Benjamins.
- Goddard, C. & Wierzbicka, A. (2007). Semantic Primes and Cultural Scripts in Language Teaching and Intercultural Communication. In F. Sharifian and G. Palmer (Eds.), *Applied Cultural Linguistics: Implications for Second Language Learning and Intercultural Communication* (pp. 105- 124). Amsterdam: John Benjamins.
- Hasada, R. (2002). The "Natural Semantic Metalanguage (NSM)" Method for Explicating the Meaning of words and Expressions: A Linguistic Approach to the Study of Emotion. *Tokyo University of Foreign Studies Bulletin of Japanese Language Center for International Students*, 28, 69-102.
- Lobner, S. (2002). *Understanding Semantics*. London: Oxford University Press.
- Longman Online Dictionary (2016). Retrieved from <http://www.ldoonline.com>.
- Melčuk, I. (1989). Semantic Primitives from the View point of the Meaning– Text Linguistic Theory. *Quaderni di Semantica*, 10(1), 65-102
- Wierzbicka, A. (2005). Semantic primitives. In K. Brown, (Ed.), *the Encyclopedia of Language and Linguistics*, (pp. 134-137). Oxford: Elsevier.
- Wierzbicka, A. (1992). *Semantics Culture, and Cognition: Universal Human Concepts in Culture-Specific Configurations*. Oxford and New York: Oxford University Press.

پی‌نوشت‌ها

1. J. Falk
2. G. Leibnitz
3. A. Wierzbicka
4. alphabets of human thought
5. explanation
6. Natural Semantic Metalanguage (NSM)
7. S. Lobner
8. R. Descartes
9. B. Pascal
10. A. Arunauld
11. J. Locke
12. R. Hasada
13. subjective
14. reductive paraphrase
15. A. Boguslawski
16. componential analysis
17. features
18. markers
19. C. Goddard
20. R. Jackendoff
21. direction
22. action
23. place
24. thing
25. path
26. property
27. state
28. event
29. from
30. to
31. stay
32. amount
33. cause
34. go
35. abstract semantic metalanguage
36. conceptual semantics
37. semantic representation
38. I. Melčuk
39. lexical units
40. polysemous
41. natural Semantic
42. old primitives
43. new primitives
44. Moscow Semantic School
45. منظور از مفاهیم میانی، مولکول‌های معنایی است.
46. J. Moller et al.
47. The German Deutsch Heute
48. The New Practical Chinese Reader Text book (NO CFL)
49. Korean1 (Language Education Institute, Seoul National University)
50. B. Peeters
51. mini- language
52. inter cultural
53. M. Amberber
54. K. J. Yoon
55. M. Junker
56. M. Besemeres
57. J. H. Greenberg
58. N. Chomsky
59. A. Martinet
60. unrestricted
61. semantic typology
62. basic concepts
63. NSM home page
64. N-gram Statistical Package
65. semantic universals
66. formalist
67. functionalist
68. cognitive linguistics
69. conceptualisation
70. linguistic wars
71. G. Lakoff
72. R. Langacker
73. V. Evans & M. Green
74. pre-specified
75. cognitive commitment
76. generalization commitment
77. embodied cognition thesis
78. linguistic knowledge
79. experimentation
80. circular
81. indefinability
82. word
83. phrase
84. all-lex
85. morphosyntactic
86. decompositional
87. non-arbitrary
88. irreducible
89. token
90. type
91. Longman Dictionary of Contemporary English (LDOCE), 2016
92. در فرهنگ لانگمن با مشخص کردن علائمی نظیر S1 و W1 در مقابل واژه، نشان داده می‌شود که این واژه جزء ۱۰۰۰ واژه پریسامد گفتاری (S) poken و نوشتاری (w)ritten زبان انگلیسی است و به همین ترتیب در پژوهش حاضر به‌عنوان واژه پریسامد مطرح می‌شود.
93. Speech acts